

غزل شماره ۵۸

سرِ ارادتِ ما و آستانِ حضرت دوست
که هر چه بر سرِ مای رود ارادتِ اوست

نظیرِ دوست ندیدم اگر چه از مَه و مِه
نهادم آینه‌ها در مقابلِ رخِ دوست

صبا ز حالِ دلِ تنگِ ما چه شرح دهد؟
که چون شبنجِ ورق‌هایِ غنچه تو بر توست

نه من سبوكش اين دير رند سوزم و بس
بسا سَرا كه در اين كارخانه سنگ و سبوست

مگر توشانه زدي زلفِ غمراقتان را؟
كه بادِ غايه ساكشت و خاكِ غمربوست

شارِ روي تو هر برگِ گل كه در چمن است
فدايِ قدِّ تو هر سرو بُن كه بر لبِ جوست

زبانِ ناطقه در وصفِ شوقِ نالان است
چه جايِ گلِكَ بريده زباني پيُده كوست؟

رخ تو در دلم آمد مراد خواهم یافت
چرا که حال نکو در قفای فال نکوست

نه این زمان دل حافظ در آتش هوس است
که داغدار ازل بهچو لاله خود دوست

تفسیر فال

درد دل کردن با ائمه اطهار، به ویژه در شرایطی که انسان در جستجوی آرامش و هدایت است، می‌تواند برای تو از گفت‌وگو با یک دوست عادی بسیار سودمندتر باشد. زیرا هر منفعت و برکتی که در زندگیت مشاهده می‌کنی، ناشی از راهنمایی‌ها و هدایت‌های ایشان است. نزدیکی به وجود مقدس آنها نه تنها موجب آرامش بیشتر قلبت می‌شود، بلکه روحیه‌ای نوین به تو می‌بخشد. وقتی که به این حالت دست یابی، به مراد دل خود خواهی

رسید و فال نیکو برایت رقم خواهد خورد. در این وضعیت خاص، دیگر غم دوری عزیزان را تاب نمی‌آوری و همچنین از آتش نفس اماره که همواره انسان را به سمت بدی‌ها سوق می‌دهد، در امان خواهی ماند. بنابراین، ارتباط نزدیک‌تر با ائمه اطهار نه تنها یک رابطه معنوی است بلکه منبع عظیمی از آرامش و روشنی روان نیز محسوب می‌شود.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)